

■ جنبش دکومانتاسیون گم شده در هیاهوی فناوری

امیرریسمانیانف

■ چکیده

هدف: تحلیل تاریخی و نظری- فلسفی از جنبش دکومانتاسیون به دست می‌دهد و بازاندیشی درباره آرمان‌ها و دستاوردهای آن می‌پردازد. «قالب‌محوری» که در نتیجه تکنولوژی‌زدگی در حرفه ما حادث شده است را به نقد گذارد تا از رهاورد آن بتوان به الگویی کلی، متناسب با اقتضائات حرفه دست یافت، و بر تضادها و ناهمگونی‌های منتسب به الگو/الگوهای موجود غلبه یافت.

روش/ رویکرد پژوهش: مستندات تاریخی مربوط به نضج‌گیری و توسعه جنبش دکومانتاسیون در اواخر قرن نوزدهم در اروپا، برای تحلیل تطور سنت‌های بنیادین حاکم بر علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به کار گرفته شده است.

یافته‌ها: نظریه‌پردازان حوزه کتابداری نیازمند بازاندیشی آرمان‌ها و دامنه تبعات جنبش دکومانتاسیون هستند. مهم‌ترین دستاورد جنبش، جلب توجه کتابداران به «محتوا» و رهایی از چارچوب‌های ذهنی وابسته به «قالب» بوده است. این الگو از حدود پنج دهه پیش با توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی به طور مستمر در حال افول است. فن‌زدگی افراطی، به طور دائم در حال جدا کردن حرفه از «محتوا» و بازگشت دوباره آن به «قالب‌زدگی» است. نتیجه‌گیری: می‌توان در مواجهه بادوسنت «ماشین‌محوران» و «انسان‌گرایان» در حرفه باید به تدارک چارچوب فکری تازه‌ای اندیشید که منبعث از الگوی جنبش دکومانتاسیون است.

کلیدواژه‌ها

دکومانتاسیون، سندداری، مطالعات آرشیو، محتوا، قالب، رسانه شناسی

جنبش دکومانتاسیون گم شده در هیاهوی فناوری

امیر ریسمانباف^۱

دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۳۰ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۳

تاریخچه جنبش دکومانتاسیون: از پیدایش تا افول ۱. پیدایش

در اواخر قرن نوزدهم، مقارن با زمانی که آموزش خدمات کتابداری در ایالات متحده، با وجود برخی چالش‌ها، به سرعت در حال گسترش بود، ناگهان نقطه ثقل این توسعه از آمریکا به بروکسل^۲ بلژیک، تغییر مکان یافت (زندونید^۳، ۲۰۰۴، ص ۸۱۳)؛ جایی که دو حقوقدان بلژیکی، یعنی اتله و لافونت^۴، در ۱۸۹۵، با حمایت دولت بلژیک، یک کنفرانس اثرگذار بین‌المللی را به منظور خلق نوع جدیدی از فهرست جهانی، به گونه‌ای که همه انواع انتشارات را در برگیرد، برگزار کردند. کنفرانسی که بعدها، در سال‌های ۱۸۹۷، ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰ پی گرفته شد (ریوارد^۵، ۲۰۰۸، ص ۱۳).

به هر روی، در بطن این تحولات، اتله، واژه «دکومانتاسیون»^۶ را ابداع و پیشنهاد کرد تا از لوی این اصطلاح، نظریات آرمانی و به شدت پوزیتیویستی (یورلند^۷، ۱۳۸۱ b، ص ۱۵۲) خود را درباره مفاهیمی چون «مدرک» و «سازماندهی دانش» بیان کند^۸ (ریوارد، ۲۰۰۸، ص ۱۴). قصد وی، گشودن رویکردی وسیع‌تر در باب موضوع سازماندهی منابع دانش بود؛ که البته، چنین رویکردی با موضوع «کتابشناختی» رابطه زیادی پیدت می‌کرد (ریوارد، ۱۹۹۷، ص ۲۹۸). او، با به نقد کشیدن روش‌های معمول کتابداران زمانه، و با این استدلال که این روش‌ها پاسخ‌گوی نیاز فزاینده محققان به دسترسی سریع به اطلاعات مورد نیازشان نیست، بر آن شد

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه تخصصی سازمان آب و برق خوزستان
rismanbaf@gmail.com
2. Brussels
3. Zandonade
4. Otlet & La Fontaine
5. Rayward
6. Documentation
7. Hjørland
۸. البته شکل‌گیری دکومانتاسیون را به چند سال پیش از کنفرانس ۱۸۹۷ نیز منتسب کرده‌اند. به عنوان نمونه، دلماز (۱۹۹۳) می‌گوید که شروع توسعه سیستماتیک دکومانتاسیون، حدوداً به سال‌های ۱۸۸۰ باز می‌گردد (باکلند و لیو، ۱۹۹۸، ص ۳).

تا روش‌هایی را به‌کار گیرد تا از طریق آنها بتوان همه مدارک حامل دانش بشر را گردآوری، سازماندهی، و دسترس‌پذیر نمود. اتله، مجموع این تمهیدات و سازوکارهای پیشنهادی را دکومانتاسیون و خود و هم‌مسئله‌کنش را دکومانتالیست‌ها می‌نامید (ماک، ۲۰۰۴، ص ۷۲۷).

از این رو، به منظور تحقق ایده حصول یک «کتابشناسی جهانی» از کلیه انتشارات دنیا، نخستین ویرایش از «نظام رده‌بندی دهدهی جهانی» را در فاصله سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ منتشر ساخت (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۴). او همچنین، به کمک لافونتن، دست به تأسیس سازمان‌هایی زد که معروف‌ترینشان، «مؤسسه بین‌المللی کتابشناختی» است که در سال ۱۸۹۵ بنیان نهاده شد. این مؤسسه مهم و اثرگذار، بعدها، به «فدراسیون بین‌المللی دکومانتاسیون»^۹ (۱۹۴۱) و عاقبت به «فدراسیون بین‌المللی اطلاعات و دکومانتاسیون»^{۱۰} (۱۹۸۶) تغییر نام یافت (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۱۲). اتله، بعدها، به کمک همفکرانش حتی ایده «حافظه جهانی» را در دهه ۱۹۳۰ طرح کرد؛ و منظور وی و هم‌مسئله‌کنش از آن، ایجاد دایرةالمعارفی از کل دانش بشری بود؛ به‌گونه‌ای که مستمراً روزآمد شود (باکلند^{۱۱}، ۱۳۷۹، ص ۲۸۴).

اما پیدایی جنبش دکومانتاسیون در جوّ عمومی کتابداران، بازتاب مثبتی نداشت. این جنبش با وجود اشتراکات بسیاری که با دنیای کتابداری داشت و نیز دستاوردهای پرشمار آن، که می‌توانست حتی مورد تقدیر و استفاده کتابداران قرار گیرد، متأسفانه، به‌سبب آنکه از آغاز با طرح انتقادات تند نسبت به کتابخانه‌ها و کتابداران آغاز شد، در میان کتابداران، کمتر با اقبال مواجه گشت. سرآغاز این اختلافات هم از تفاوت دیدگاه کتابداران آن زمان و دکومانتالیست‌ها، درباره مفهوم و مصداق واحدهای اطلاعاتی، ناشی شد. برخلاف کتابداران آن زمان، که کتاب را یک واحد بنیادین اطلاعاتی می‌دانستند؛ دکومانتالیست‌ها، داده‌های موجود در کتاب‌ها و سایر منابع اطلاعاتی نظیر مقالات تحقیقی، گزارش‌های فنی، دولتی، و مانند آن را واحدهای اطلاعاتی می‌پنداشتند (باولز^{۱۲}، ۱۹۹۸، ص ۱۶۲). بدین‌سان، آنان نه تنها مفهوم منبع اطلاعاتی (و به زبان خودشان، مدرک) را از محمل‌های سنتی چون «کتاب» به هر آنچه که ممکن است حاوی اطلاعات (به‌طور ویژه، حامل اطلاعات علمی) باشد، تعمیم دادند؛ که از چارچوب‌های ذهنی شدیداً وابسته به «قالب» کتابداران وقت عبور کرده و بر دسترس‌پذیری هرچه بیشتر محتوای این مدارک تأکید کردند. به همین سبب، سکه تکنیک‌های باارزشی چون نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی در حیطه بازیابی اطلاعات به نام دکومانتالیست‌ها زده شد^{۱۳}.

به هر روی، اتله، به‌عنوان سرسلسله‌جنبان دکومانتاسیون، خود پیشتاز این منتقدین بود. او کتابخانه‌ها را از چند جهت به باد انتقاد می‌گرفت. از جمله آنکه در مجموعه‌سازی، خود را محدود به انواع خاصی از منابع اطلاعاتی کرده‌اند؛ در برابر نوآوری‌های فناورانه مقاومت

9. International Federation for Documentation.

10. International Federation for Information and Documentation (IFID)

11. Buckland

12. Bowles

۱۳. به‌عنوان نمونه نگاه کنید به:

ماک (۲۰۰۴، ص ۷۲۷).

می‌کنند؛ در مواجهه با روش‌های نوین رده‌بندی، فهرستنویسی، و سازماندهی خدمات اطلاعاتی محافظه‌کارند؛ و خلاصه آنکه، او پیش‌بینی می‌کرد که سرانجام روزی کتابخانه‌ها در قالب «دفاتر دکومانتاسیون»، تجدید ساختار خواهند شد؛ درست نظیر برخی پیش‌بینی‌های امروزمین درباره پایان عصر کتابخانه‌های متعارف و جایگزینی قطعی آنها توسط کتابخانه‌های الکترونیکی و پیوسته (ریوارد، ۱۹۹۷، ص ۲۹۵).

دکومانتالیست‌های نسل بعد از اتله هم از این انتقادات دست نکشیدند. یک نمونه مشهور آن برایت^{۱۴} (۱۹۵۱) است که روش‌های متداول در کتابداری را، به سبب فقدان انعطاف‌پذیری و پویایی، سخت مورد انتقاد قرار می‌داد و نظام‌های رده‌بندی کتاب را مکانیک‌وار و غیرپویا می‌خواند (ماک^{۱۵}، ۲۰۰۴، ص ۷۳۷ - ۷۳۸).

در چنین فضای پرچالشی، دکومانتاسیون، از حوالی سال‌های ۱۹۲۰، به طور فزاینده‌ای به عنوان یک اصطلاح کلی و عام مورد پذیرش قرار گرفت که حوزه‌هایی نظیر کتابشناختی، خدمات اطلاع‌رسانی دانشگاهی و پژوهشی، مدیریت پیشینه‌ها، و خدمات آرشیوی را شامل می‌شد (باکلند، ۱۹۹۸، نقل در ماک، ۲۰۰۴، ص ۷۲۵).

۲. زوال یا استحاله؟

شگفت آنکه، دکومانتاسیون، به عنوان جنبشی که برای نوخواهی و تحول در کتابداری و سایر حرفه‌های اطلاعاتی پدید آمده بود، به قول باولز (۱۹۹۸، ص ۱۶۴) خیلی زود، در اوایل دهه ۱۹۶۰، خود به واژه و جریانی کهنه و واپس‌گرا بدل شد؛ و اینگونه بود که از دهه ۶۰ به بعد، عباراتی نظیر «علم اطلاعات» و «بازیابی اطلاعات» به‌طور گسترده‌ای، جایگزین اصطلاح اکنون قدیمی دکومانتاسیون شدند (باکلند و لیو^{۱۶}، ۱۹۹۸، ص ۱). از این رو، بسیاری چون یورلند (۱۳۸۱، ص ۱۲) معتقدند که علم اطلاعات، تحول یافته جنبش دکومانتاسیون است، و منظورشان از این سخن آن است که مفاهیم معمول در علم اطلاعات از تطور و دگرگونی در مفاهیم مربوط به دکومانتاسیون، حاصل شده‌اند (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۴-۵). در همین زمینه، برخی نیز چون بورکو (۱۳۵۱) اساساً دکومانتاسیون را به همراه کتابداری، جزئی از پیکره عملی علم اطلاعات خوانده‌اند. بنابراین، در نظر این افراد، جنبش دکومانتاسیون در «علم اطلاعات»، مستحیل شده و در این بین، نوعی استحاله صورت گرفته است. این نگرش بسیار مشهور و پرآستناد، در سال‌های اخیر با نقدها و تردیدهایی همراه بوده است. به عنوان نمونه، بیتس^{۱۷} (۲۰۰۴، ص ۶۸۳) به استناد تجربیات شخصی‌اش، معتقد است که تغذیه فکری حوزه نوپدید علم اطلاعات در دهه ۱۹۶۰ از قلمروهایی بسیار متفاوت با دکومانتاسیون صورت گرفته است. ریوارد (۱۹۹۷، ص ۲۹۸) نیز به استفاده از واژه اطلاعات در ادبیات اتله اشاره

14. Briet

15. Maack

16. Liu

17. Bates

دارد که بیشتر برای اشاره به حقایق^{۱۸} و داده‌ها به کار رفته است، و اینگونه به‌طور ضمنی به تفاوت دیدگاه‌ها در باب مفهوم بنیادین اطلاعات در دو حیطه دکومانتاسیون و علم اطلاعات اشاره دارد. بنابراین، در کنار این باور رایج که جنبش دکومانتاسیون به حوزه نوپیدی به نام علم اطلاعات استحاله شد؛ نظریه‌پردازان دیگری نیز هستند که معتقدند پیدایی علم اطلاعات، ادامه جنبش دکومانتاسیون نبوده و از منابع فکری دیگری تغذیه کرده است. نتیجه طبیعی نظر اخیر آن است که جنبش دکومانتاسیون در سال‌های پس از دهه ۱۹۶۰، عملاً رو به زوال نهاده است.

نگارنده بر این گمان است که می‌توان هر دو نظر و باور را، در جای خود، درست قلمداد نمود. از یک طرف، چون نظریه‌پردازان علم اطلاعات، میراث‌دار ایده‌هایی از جنبش دکومانتاسیون، همچون ذخیره‌سازی فشرده، تکثیر اطلاعات، دستیابی از راه دور به متن کامل، و نظیر آن هستند؛ نمی‌توان حکم به زوال کامل آرمان‌های این جنبش داد و می‌توان گفت که برخی ایده‌های رایج در میان دکومانتالیست‌ها، در حیطه علم اطلاعات همچنان دنبال می‌شود. از سوی دیگر، به سبب آنکه بر خلاف دکومانتالیست‌ها، متخصصان علم اطلاعات نتوانستند همان تأکید متوازن و همزمان بر «محتوا» و «فناوری و ابزار» را حفظ کنند؛ تا جایی که حتی دوباره به ورطه «قالب‌زدگی» پیش از جنبش دکومانتاسیون افتادند، نمی‌توان دستاوردهای این علم نوپدید را دقیقاً در امتداد نیم قرن تلاش‌های دکومانتالیست‌ها دانست. کوتاه سخن آنکه، ایده‌هایی از جنبش دکومانتاسیون در قالب علم اطلاعات به حیات خود ادامه داد؛ لیکن الگوی مسط (پارادایم)^{۱۹} این جنبش با فراگیری علم اطلاعات، رو به زوال نهاد.

به هر روی، با افول جنبش دکومانتاسیون، بیشتر مؤسسات و نشریات آموزشی-پژوهشی که نام دکومانتاسیون یا کتابشناختی بر خود داشتند، یک‌به‌یک، به تغییر اسم، رضایت دادند. به‌عنوان مثال، دپارتمان کتابشناختی، در دانشگاه تارتو^{۲۰}، در استونی، که در سال ۱۹۴۴ به دست اتله بنیان نهاده شد، بعدها به دپارتمان کتابداری تغییر نام داد، و عاقبت در سال ۱۹۹۳ در دپارتمان مطالعات اطلاعات، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علوم تربیتی تالینو^{۲۱}، ادغام شد (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۱۱). دیگر مثال مشهور در این باره، تغییر اسم مؤسسه مؤثر در رشد جنبش دکومانتاسیون آمریکایی، یعنی «مؤسسه دکومانتاسیون آمریکا»^{۲۲} به «انجمن علوم و فناوری اطلاعات آمریکا»^{۲۳} است (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۱۲).

- 18. Facts
- 19. Paradigm
- 20. Tartu
- 21. Tallinu
- 22. American documentation institute
- 23. American society for information science and technology

عوامل مؤثر در پیدایی و افول جنبش دکومانتاسیون

۱. عوامل مؤثر در پیدایش و پیشرفت جنبش دکومانتاسیون

پیدایش جنبش دکومانتاسیون در اواخر قرن نوزدهم را می‌توان واکنشی به رشد مستمر کمی

انتشارات علمی و نیز تنوع پدید آمده در قالب‌های مربوط به منابع اطلاعاتی دانست (باکلند، ۱۹۹۸). به همین سبب، تمرکز این جنبش بر جمع‌آوری، کنترل، سازماندهی، و اشاعه بهینه همه اشکال متون علمی و نیز ماشینی کردن فرایند پردازش اطلاعات بوده است (هاپکه^{۲۴}، ۲۰۰۳، ص ۲). چنین آرمانی در جنبش، دکومانتالیست‌ها را به آرمان‌گرایانی، به تمامی معنا، بدل ساخت. مثلاً اتله معتقد بود که اگر الزامات مربوط به دیدگاه وی درباره دکومانتاسیون در سطح بین‌المللی مورد پذیرش قرار گیرد، یک «شبکه جهانی دکومانتاسیون»^{۲۵}، مطمئناً می‌تواند هر کسی را توانا سازد تا هر اطلاعاتی را که می‌خواهد، با کمترین تلاش و بیشترین اطمینان از حصول نتایج دلخواه، به دست آورد (ریوارد، ۲۰۰۸، ص ۱۶). آنچه در این سخن اتله موج می‌زند، رؤیای او برای غلبه بر مشکلات ناشی از انفجار اطلاعات است. از این رو، انفجار اطلاعات از اصلی‌ترین دلایل برانگیزاننده در پیدایی این جنبش بوده است.

اما گذشته از انفجار اطلاعات، نباید از زمینه‌های فکری، فرهنگی، و اجتماعی اثرگذار بر این جنبش غافل بود. باکلند (۱۹۹۵)، از جمله کسانی است که در تحلیل پیدایش جنبش، زمینه‌های فکری فرهنگی اجتماعی پدید آمده در اروپای اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را مهم برمی‌شمرد. وی این دوره زمانی را عصر ماشینی شدن و تمایل همه‌جانبه به «خودکاری» می‌نامد (ریوارد، ۲۰۰۸، ص ۱۷). شاید مهم‌ترین شاخصه پیشرفته‌ای فناورانه وابسته به حوزه مدیریت اطلاعات در این دوران، همانا دستاوردهای جدید در زمینه فناوری تصویربرداری باشد؛ که به شدت، دکومانتالیست‌ها را مجذوب خود می‌سازد و تا آخر هم، و سوسه استفاده از قابلیت عکس‌برداری ریز، به عنوان جایگزینی فشرده برای کاغذ، با بسیاری از دکومانتالیست‌ها باقی می‌ماند.

بسیاری، چون ماک (۲۰۰۴، ص ۷۲۱)، معتقدند که این نوآوری‌های فناورانه که به‌ویژه در دهه ۱۹۳۰ اوج گرفت، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در توسعه و پیشرفت جنبش دکومانتاسیون تأثیر داشته است؛ چرا که دکومانتالیست‌های آن زمان می‌کوشیدند تا آنجا که ممکن است، این فناوری‌های جدید را برای تحقق اهدافشان به خدمت گیرند و این خود به خود، به گسترش مقبولیت جنبش دکومانتاسیون مساعدت کرده است. البته، فناوری‌های به‌کار گرفته شده توسط آنان، منحصر به ابزارهای تصویربرداری نبوده است؛ مثلاً، پیشینه دکومانتالیست‌های آلمانی نشان می‌دهد که آنان در سال‌های پایانی دهه ۱۹۴۰، در جست‌وجوی راهی بودند تا بتوانند از آن طریق، فرمول‌های شیمیایی را به کدهای ماشینی خوان بدل سازند (هاپکه، ۲۰۰۳، ص ۱۳).

با این حال به‌نظر می‌رسد، منحصر ساختن عامل فناوری در این تحلیل، مغفول ماندن از سایر جنبه‌های اجتماعی در اروپای قرن نوزدهم و بعد از آن را سبب شود. پیدایش نوعی نوزایی^{۲۶} همه‌جانبه هنری، فرهنگی، علمی، و فنی در سال‌های بین ربع آخر قرن نوزدهم

24. Hapke

25. Universal network
for documentation

26. Renaissance

تا دهه ۱۹۳۰ در اروپا (باکلند، ۱۳۸۳)، وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم و حتی پیشامد سال‌های جنگ سرد، به‌ویژه از زمان پرتاب اولین قمر مصنوعی اتحاد جماهیر شوروی موسوم به اسپوتنیک^{۲۷} در سال ۱۹۵۷ (کراگین^{۲۸}، ۲۰۰۴، ص ۸۳۴)، که در همه آنها، مسئله تحقیقات علمی و به‌تبع آن، موضوع دسترسی سریع به اطلاعات علمی، برجسته‌تر از پیش شد، در پیدایی و گسترش جنبش نقش داشته‌اند.

۲. عوامل مؤثر در افول جنبش دکومانتاسیون

شاید یکی از اسرارآمیزترین قطعات تاریخ حرفه ما، افول غیرمنتظره جنبش دکومانتاسیون در اوج فعالیت‌های شورانگیز دکومانتالیست‌ها، در دهه ۱۹۶۰، باشد. اولین نشانه‌های افول در اواخر دهه ۱۹۵۰ و با ناکارآمد خوانده شدن «نظام رده‌بندی دهدهی جهانی» در بازیابی اطلاعات مربوط به پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی، آشکار شد (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۵). همچنین، در دهه ۱۹۶۰، گسترش بی‌سابقه فناوری‌های اطلاعاتی، که در دهه‌های بعد با رواج رایانه‌های شخصی و نیز پایگاه‌های اطلاعاتی پیوسته، به اوج خود رسید؛ دکومانتاسیون را با همه علاقه‌ای که به پدیده‌های فناورانه داشت، در میان تکنولوژی‌زدگان تندرو، مهجور ساخت؛ و این جنبش به‌طور بدبینانه‌ای به واپس ماندگی متهم شد. به گمان نگارنده، نوعی خودباختگی در برابر دستاوردهای حیرت‌آور فناوری اطلاعات در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی از عوامل چنین بدگمانی‌هایی است که در این سال‌ها جنبش را با انزوای غیرمنتظره‌ای روبه‌رو می‌سازد. اما مهجوریت بیشتر و از تک و تا افتادن کامل جنبش، دو دهه بعد از پیدایش علم اطلاعات، یعنی در سال‌های ۱۹۸۰ روی داد. سال‌هایی که در آن، کل دستاوردهای حوزه (یا حوزه‌های) کتابداری، اطلاعات، و دکومانتاسیون، یکجا با تردید و شک بحران‌زایی مواجه شدند (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۵). به‌نظر می‌رسد، جنبش دکومانتاسیون که هنوز نتوانسته بود، چالش‌های دو دهه پیش را از سر بگذراند، با فرارسیدن بحران معروف دهه ۱۹۸۰، کاملاً از تک و تا افتاد و تب آن تا کنون نیز - و شاید برای همیشه - فروکش کرد.

نزاع و تقابل میان کتابداران و دکومانتالیست‌ها: دو گونه اروپایی و آمریکایی

۱. ریشه‌های نزاع در دو سوی مرزهای وهم‌انگیز

پیش‌تر گفته شد که اتله از جایگزینی دفاتر دکومانتاسیون به‌جای کتابخانه‌ها سخن به میان آورده بود. در نمونه‌ای دیگر، مؤثرز^{۲۹} در توصیف مشاهدات خود از نشست سالانه انجمن دکومانتاسیون آمریکا، در ۱۹۵۷، از جایگزینی ماشین به‌جای کتابداران در فرایند جست‌وجوی اطلاعات در آینده سخن گفته است (باولز، ۱۹۹۸، ص ۱۵۸). طبیعی است که این بی‌اعتنایی از

27. Sputnik

28. Cragin

29. Mooers

سوی دکومانتالیست هانسبت به نقش کتابداران و کتابخانه‌ها، واکنش‌های منفی گرایانه‌ای رانسبت به جنبش دکومانتاسیون در دنیای کتابداری به همراه آورد. برای بیشتر کتابداران نیمه نخست قرن بیستم، این جنبش، یادآور انبوهی از مشاجرات و انشقاقات در دو سوی منازعه‌ای است که نه تنها به پیروزی هیچ‌یک از طرفین منجر نشد؛ که شوربختانه، تنزل‌ها و واپس‌ماندگی‌هایی را نیز برای هر دو طرف در پی داشت. یک نمونه آن، انحلال هر دو دانشکده کتابداری و مرکز دکومانتاسیون در «دانشگاه وسترن ریسرو»^{۳۰} است (باولز، ۱۹۹۸، ص ۱۵۸).

به هر حال، چنین فضایی، که می‌توانست به گونه‌ای سازنده‌تر، تعاملات میان این دو حوزه با انبوهی از اشتراکات را به دنبال داشته باشد؛ غالباً با بی‌اعتنایی و حتی انکار دستاوردهای علمی یکدیگر همراه بود. به عنوان مثال، استوالد^{۳۱}، به عنوان شیمی دان آلمانی برنده جایزه نوبل و بنیان‌گذار مؤسسه دکومانتاسیون «بروک»^{۳۲}، با وجود کوشش‌های عملی و نظری قابل ملاحظه و چاپ مقالات فراوان در موضوع سازماندهی انتشارات علمی در نشریات انگلیسی زبان، در سال‌های ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، و ۱۹۲۵، چه در جامعه کتابداری آلمان و چه خارج از آن، تا آخر، یک غریبه ناشناس به حساب آمد (هایکه، ۱۹۹۹، ص ۱۳۹).

چنین مرزبندی‌هایی سبب شد تا منتسبان به دکومانتاسیون و کتابداری، خود را به گونه‌ای صوری و تصنعی، به دو حیطه حرفه‌ای مجزا وابسته بدانند. اما به راستی، این همه اصرار بر مرزبندی‌های تصنعی و صوری میان دو حوزه نظیر هم، در چه عواملی ریشه داشته است؟ نگارنده بر این گمان است که دلایل زیر می‌توانند تا حدودی به ریشه‌یابی تاریخی این معضل کمک کنند:

۱-۱. خاستگاه آموزشی و پژوهشی عمده دکومانتالیست‌ها و به‌ویژه، بنیان‌گذاران جنبش دکومانتاسیون، نه دانشکده‌های کتابداری و علوم انسانی، که دانشکده‌های علوم و مهندسی بوده است (باولز، ۱۹۹۸، ص ۱۶۱). گذشته از اتله و لافونتن که به حوزه «حقوق» تعلق داشتند، غالب سردمداران دکومانتاسیون اروپایی، شیمی دان‌ها بوده‌اند. این موضوع مورد اشاره کسانی چون کنت^{۳۳} (۱۹۶۱، نقل در باولز، ۱۹۹۸، ص ۱۶۱)، ماک (۲۰۰۴، ص ۷۲۷)، و هایکه (۲۰۰۳، ص ۱۵ و ۲۰) قرار گرفته است. به هر روی، تفاوت خاستگاه‌های آموزشی و پژوهشی و به تبع آن، تفاوت جهان‌بینی‌ها، زبان، و الگوهای علمی در دو سوی نزاع کتابداران و دکومانتالیست‌ها، طرفین را متوهم می‌سازد که واقعاً شکافی پرنشاندنی و عمیق میان نگرش‌ها و گرایش‌های فکری و عملی آنان وجود دارد؛ حال آنکه این تفاوت‌ها، چندان هم عمیق و غیرقابل توافق نبوده‌اند.

۲-۱. سازمان‌هایی که از پژوهش‌ها و دستاوردهای علمی و عملی کتابداران و دکومانتالیست‌ها حمایت می‌کرده‌اند، نیز تفاوت داشته‌اند. به عنوان نمونه، در آمریکا، «مرکز اطلاعات علمی»^{۳۴}، خانه و

30. Western Reserve University

31. Ostwald

32. Bruke (Bridge)

33. Kent

34. Scientific information center

خاستگاه جنبش دکومانتاسیون آمریکایی بوده است (باولز، ۱۹۹۸، ص ۱۶۲). در سایه‌سار چنین چتر حمایتی، گفته می‌شود که در سال ۱۹۶۱، در آمریکا، ۲۲۱ مرکز دکومانتاسیون بایبش از شش هزار نفر نیروی انسانی شاغل، وجود داشته که از حمایت‌های مالی دولت، صنعت، و دانشگاه بهره‌مند بوده‌اند (باولز، ۱۹۹۸، ص ۱۶۲)؛ حال آنکه، خاستگاه الهام‌بخش کتابداران آمریکایی در این سال‌ها، «انجمن کتابداری آمریکا»^{۳۵} بوده؛ و آنان هرگز از چنین موهبت و مساعدت گسترده‌ای برخوردار نبوده‌اند. روشن است که تفاوت در وابستگی‌ها و خاستگاه‌های سازمانی به این تقابل دامن زده است.

با این حال، به گمان من، این مرزها بیشتر وهم‌آلود بوده‌اند تا واقعی؛ چرا که شباهت‌ها و نظایر فراوانی در شعارها، آرمان‌ها، و تمایلات دکومانتالیست‌ها و کتابداران وجود داشته است. به‌قول برایت (۱۹۵۱) آیا هدف مشترک همه حرفه‌مندان اطلاعاتی، چیزی جز فراهم‌آوری اطلاعات است؟ (ماک، ۲۰۰۴، ص ۷۳۸). بنابراین، به‌نظر نمی‌رسد که چنین خط‌کشی‌های ذهنی و تصنعی میان این دو حوزه، واقعی بوده باشد. در ادامه، برای تصدیق این مدعا، به دو مصداق عینی اشاره می‌شود.

نخستین شاهد، پیشینه «کتابخانه ملی کشاورزی آمریکا»^{۳۶} در فاصله سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۸ است؛ یعنی زمانی که مورهارت^{۳۷} بر مسند ریاست این کتابخانه تکیه داشت. در این زمان، به‌منظور بهبود خدمات اطلاع‌رسانی علمی برای محققان حوزه کشاورزی، سازوکارهای کتابداری و دکومانتاسیون، با هم در این کتابخانه به‌کار گرفته شد (کراگین، ۲۰۰۴، ص ۸۴۳). جالب آنکه مقالات مورهارت در همان زمان مورد توجه و استناد هر دو گروه کتابداران و دکومانتالیست‌ها بود (کراگین، ۲۰۰۴، ص ۸۴۵-۸۴۶). اگر شمار کتابداران حاضر در میان هواداران جنبش دکومانتاسیون (به‌ویژه در سال‌های نخستین پیدایش آن) بیشتر بود و انتشار مقاله و آثار فکری در نشریات یکدیگر به یک سنت و الگوی غالب بدل می‌شد، شاید سرنوشت جنبش دکومانتاسیون، بدین ناخوشایندی، نافرجام نمی‌ماند. و باز اگر، کتابداران و دکومانتالیست‌ها می‌توانستند از قِبَل این همکاری‌های علمی به یکپارچه‌سازی الگوهای علمی و راهبردهای عملی مربوط دست یازند، شاید چنین الگوی یکپارچه‌ای هنوز به حیات خویش ادامه می‌داد.

به‌هرروی، مهم‌تر از شاهد مذکور، سرگذشت جنبش دکومانتاسیون آمریکایی است که تا حدود زیادی، برکنار از تنازعات فراگیر در جنبش دکومانتاسیون اروپایی است. این بهترین استدلالی است که می‌توان از آن به‌عنوان اثبات بیهودگی نزاع‌های میان کتابداران و دکومانتالیست‌های اروپایی سود جست.

۲. دوگونه اروپایی و آمریکایی جنبش دکومانتاسیون

گرچه پیدایش و توسعه اولیه جنبش دکومانتاسیون، بیش از همه، مرهون تلاش‌های

35. American Library Association (ALA)

36. National Agricultural Library (NAL)

37. Mohrhardt

دکومانتالیست‌های اروپایی است، این جنبش به ایالات متحده نیز سرایت کرد و در سال‌های بعد، هم‌تایان آمریکایی پیروان اتله در اروپا، نقش مهمی در گسترش جنبش ایفا کردند؛ گرچه این نقش بیشتر مربوط به سال‌های جنگ جهانی دوم و پس از آن است (باکلند، ۱۳۸۱، ص ۲۸۷). می‌توان گفت که تا حدود زیادی، دکومانتاسیون اروپایی و آمریکایی در زمینه توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و بهبود خدمات کتابخانه‌های تخصصی واجد اشتراکاتی است (باکلند، ۱۹۹۸)؛ لیکن، بررسی پیشینه جنبش دکومانتاسیون آمریکایی بیانگر آن است که پیدایی و گسترش این جریان در آمریکا در فضایی دوستانه‌تر و با مرزبندی‌های صوری و تصنعی کمتری با دنیای کتابداری صورت گرفته است؛ و این خود شاهدی بر این مدعا است که تنازعات حیرت‌آور در هنگامه پیدایش و توسعه دکومانتاسیون اروپایی بیشتر از آنکه اصالت و ریشه علمی داشته باشد براساس باورهای غیراصیل و موهوم شکل گرفته است.

برایت، دکومانتالیست سرشناس فرانسوی، در اوایل دهه ۱۹۵۰ از ایالات متحده آمریکا بازدید می‌کند و شور و قدرت «جنبش کتابخانه‌های تخصصی»^{۳۸} در این کشور را تا اندازه‌ای شبیه جنبش دکومانتاسیون در اروپا می‌داند (ماک، ۲۰۰۴، ص ۷۳۶). باکلند با ستایش از بینش برایت در ارائه چنین توصیفی، او را از کسانی که به زور و به صورت تصنعی، میان کتابداری و دکومانتاسیون، مرزبندی قائل می‌شوند، متمایز می‌کند (ماک، ۲۰۰۴، ص ۷۳۶). برایت (۱۹۵۱)، در ادامه توصیف خود از مشاهداتش در آمریکا می‌نویسد: اصطلاحاتی چون «کتابداران کتابخانه‌های تخصصی»، «کتابداری» و «کتابشناختی»، به لحاظ موضوعی و مفهومی در آمریکا و انگلیس - برخلاف کشور ما [فرانسه] - واژگانی مرتبط با یکدیگر تلقی می‌شوند (ماک، ۲۰۰۴، ص ۷۳۶). ریوارد (۱۹۸۵) نیز در توصیف دکومانتاسیون آمریکایی در دهه ۱۹۵۰ می‌نویسد: در آن دوره، اصطلاحاتی چون «کتابداری تخصصی» و «دکومانتاسیون» در آمریکا به معنای نزدیکی به کار می‌رفته‌اند (ماک، ۲۰۰۴، ص ۷۳۶).

۳. دستاوردهای جنبش دکومانتاسیون

واقعیت‌های تاریخی دال بر آن است که دستاوردهای این جنبش - با وجود همه انتقادات تلخ، گزنده، و ناخوشایند هوادارانش نسبت به کتابداری و کتابداران - برای رشته و حرفه ما پرشمار و اثرگذار بوده است. در اینجا، صرفاً به مهم‌ترین آنها به اختصار اشاره شده است:

۱-۳. **محتوای محوری:** به گمان من، مهم‌ترین دستاورد این جنبش، جلب توجه بیش از پیش کتابداران به «محتوا» و رهایی از چارچوب‌های ذهنی شدیداً وابسته به «قالب» در این حوزه بوده است؛ الگویی که با خواست‌های استفاده‌کنندگان از خدمات اطلاع‌رسانی (که معمولاً - صرف‌نظر از اینکه قالب خاص محمل‌های اطلاعاتی آن محتوا چه باشد - فقط به دنبال محتوای اطلاعاتی مرتبط هستند) تطبیق زیادی دارد. این سنت به جای مانده از جنبش

دکوماناسیون، تأثیر عمیقی در حوزه مطالعات کتابداری و اطلاعات بر جای گذارد. از جمله آنکه توجه کتابداران را به این نکته معطوف کرد که سیستم‌های طبقه‌بندی و دسترس‌پذیری منابع، که در آن زمان رواج داشت، به‌تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای رو به‌تزايد اطلاعاتی مشتریان حرفه نیست. این سیستم‌ها بیشتر معطوف به دسترس‌پذیری مدارک بودند، حال آنکه بهره‌گیران و کاربران، غالباً به اطلاعات درون این مدارک نیازمندند^{۳۹} (جونز^{۴۰}، ۱۹۸۷، نقل در یورلند، ۱۳۸۱b، ص ۱۵۱-۱۵۲). در نتیجه، شعار محتوامداری، نگاه کتابداران را نسبت به موضوع «دسترس‌پذیری اطلاعات و منابع اطلاعاتی» واقع‌بینانه‌تر نمود، و در کشاکش میان این دو رویکرد که «آیا باید صرفاً منابع اطلاعاتی، سازمان یابند» و یا اینکه «داده‌ها و اطلاعات حاوی این منابع نیز باید سازماندهی و دسترس‌پذیر شوند»، نوعی الگو و طریق متوازن-در میان کتابداران دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی- نهادینه شد؛ که بنیانی برای کل پیشرفته‌ای ۵۰ سال گذشته در حرفه، در حیطه سازماندهی اطلاعات، بوده است. این روند بهبود در پنج دهه گذشته، شامل طیفی از تلاش‌ها بود: از تقویت روش‌های نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی گرفته تا ارتقای مفهوم مدرک به «شیء»^{۴۱} در سیستم‌های نوین سازماندهی اطلاعات.

۲-۳. بهبود سیستم‌های دسترسی به اطلاعات: همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، رواج تکنیک‌های نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، که پایه‌گذار پیشرفته‌ای بعدی در دسترس‌پذیری هرچه بیشتر محتوای منابع اطلاعاتی بود، به برکت این سنت و آرمان دکومانالیست‌ها حاصل شد. آنان، به قول ریوارد (۱۹۹۷، ص ۲۹۹)، فراتر از سازماندهی مدارک - به‌عنوان منابع اطلاعاتی - به استخراج و سازماندهی اطلاعاتی می‌اندیشیدند که مدارک حامل آنها بودند. از این رو، آنان در برابر «راهبرد صورت مدارک» کتابداران عمومی، «راهبرد محتوا مدارک» را در پیش گرفتند (یورلند، ۱۳۸۱a، ص ۲)، و زوایای جدیدی از مقوله سازماندهی اطلاعات را روشن ساختند. از طرف دیگر، با تعریف گسترده و جالبی که دکومانالیست‌ها از مفهوم مدرک ارائه دادند - که همه انواع منابع اطلاعاتی نوشتاری، دیداری، و شنیداری را در بر می‌گرفت - نظریه‌ها و سیستم‌های سازماندهی مواد و منابع اطلاعاتی، ابعاد تازه و گسترده جدیدی یافت (یورلند، ۱۳۸۱a، ص ۲). به اعتقاد نگارنده، دو دستاورد دکومانالیست‌ها، یعنی «محتوآمداری» و «بسط مفهوم منابع اطلاعاتی»، گذار این حوزه از مرحله «سازماندهی مواد» به دنیای «سازماندهی اطلاعات» را پایه‌گذاری کرده است.

۳-۳. نزدیک شدن مفاهیم «رسانه» و «مواد و منابع کتابخانه‌ای»: امروزه، به مدد منظر جدیدی که نخستین بار دکومانالیست‌ها آن را گشودند؛ منابع اطلاعاتی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی منحصر به کتاب نیست؛ تا جایی که گفته می‌شود، کتابخانه‌ها در سیر عمومی خود، در حال تبدیل شدن به «رسانه‌خانه» اند (آذرنگ، ۱۳۷۷، ص ۱۸۲). این امر نه تنها سیستم‌های

۳۹. یورلند (b ۱۳۸۱، ص ۱۵۲) سرچشمه و ریشه این دیدگاه جونز را به جنبش دکوماناسیون منتسب می‌سازد.
40. Jones
41. Object

سازماندهی را گسترش داد که به روش‌های مجموعه‌سازی، ابعاد تازه‌ای بخشید.

۳-۴. ایجاد گرایش به بهره‌مندی بیشتر از فناوری برای تحقق آرمان‌های حرفه: پیشینه

کار دکومانتالیست‌ها نشان می‌دهد که آنان به استفاده از دستاوردهای فناوری برای تحقق آرمان‌هایشان بسیار اشتیاق داشته‌اند؛ به حدی که این اشتیاق در سال‌های بعد به‌عنوان یک سنت در حرفه ما تثبیت شد؛ تا آنجا که مثلاً تیلور (۱۳۸۱، ص ۵۸) اساساً سنت ماشینی شدن اطلاعات کتابشناختی را به جنبش دکومانتاسیون در اروپا در سال ۱۸۹۰ نسبت می‌دهد. اگر سخن تیلور را مبنا قرار دهیم، باید اذعان کنیم که نخستین تغییر نسل در کتابخانه‌ها که مهم‌ترین وجه آن، ماشینی شدن اطلاعات کتابشناختی بوده، تحت تأثیر جنبش دکومانتاسیون حاصل شده است.

۳-۵. به دست دادن الگویی متوازن از حرفه: به گمان نگارنده، از اواخر سده نوزده - که

نخستین کوشش‌های حرفه‌ای شدن در کتابداری روی داد - هرگز الگویی نظیر آنچه که دکومانتالیست‌ها از حرفه ارائه داده‌اند، متوازن نبوده است. آنان گستره مفهومی اطلاعات و منابع اطلاعاتی را گسترش دادند، و همزمان بر دسترس‌پذیری محتوای این منابع، با استفاده از ابزارهای فناورانه، پافشاری کردند. بدین ترتیب، نه آنان نظیر کتابداران پیش از خود در چنبره «قالب» گرفتار شدند؛ و نه چون جریان غالب تکنولوژی‌زده نیم‌قرن اخیر، از «محتوا» غفلت ورزیدند. اساس این توازن، ریشه در نگاه همزمان آنان به مقوله «فناوری» و مفهوم «محتوا» دارد. در الگوی آرمانی دکومانتالیست‌ها، فناوری به خدمت روش‌های دکومانتاسیون گرفته می‌شود تا بیشتر محتوای اطلاعاتی را به‌گونه‌ای بسامان، برای کاربران، دسترس‌پذیر سازد. این، آرزوی کسانی چون ساراسویک (۱۳۸۱، ص ۷۴-۷۵) است که معتقدند «همان‌گونه که فناوری رایانه‌ای در پی پردازش نمادهاست؛ حرفه ما نیز باید پردازش محتوا را هدف قرار دهد؛ و این یعنی همان توازن «ابزار- محتوا»یی است که جنبش دکومانتاسیون در پی تجسمش بود؛ و شوربختانه در تمامی پنج دهه اخیر، مستمراً در حال افول بوده است».

۳-۶. گسترش نظری حیطه حرفه به محیط‌های سازمانی: شکی نیست که یکی از راه‌های

مؤثر در ارتقای شأن حرفه، پُرطینین ساختن پژواک رشته و انعکاس دستاوردهای آن در محیط‌های سازمانی است. با این حال، یک گلایه عمومی درباره حرفه ما آن است که این حرفه کمتر به‌منظور کنترل و مدیریت جریان‌های اطلاعاتی ساری در محیط‌های سازمانی متبوع به بازی گرفته می‌شود. به‌ویژه آنکه در سال‌های اخیر و با پیدایش رشته به‌ظاهر جدید «مدیریت دانش»، نه تنها این انزوای مورد اشاره برای کتابداران بیشتر شده؛ که حتی مشاغل آنان نیز در نهادهای اطلاع‌رسانی با تهدید مواجه شده است (آذرننگ، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸-۲۱۹). از آن جهت، «مدیریت دانش» را رشته‌ای «به‌ظاهر» جدید می‌خوانم که اهم مبانی مطرح

در این رشته، دست‌کم، یک قرن پیش، توسط دکومانتالیست‌ها در قالب حیطه حرفه‌ای «دکومانتاسیون اداری»^{۴۲} مورد بحث قرار گرفته است (باکلند، ۱۳۸۳). در حالی که یک قرن قبل، کتابداران کتابخانه‌های تخصصی و دکومانتالیست‌ها معتقد بودند که می‌توانند و باید چنین کارکردهایی (مدیریت دانش سازمانی) در محیط‌های سازمانی داشته باشند (باکلند، ۱۳۸۳)، آیا این دستاورد مهم و بزرگ، سؤال و شگفتی نمی‌آفریند که چرا این مفاهیم هرگز در برنامه‌های آموزشی دانشکده‌های علوم کتابداری و اطلاعات قرار نگرفته است؟ یک پاسخ احتمالی آن است که این دستاورد مهم دکومانتالیست‌ها - که در صورت تأمل کل حوزه بر آن - شاید می‌توانست سرنوشت و اعتبار حرفه را دگرگون‌تر از اکنون سازد، در گرماگرم تنازعات کتابداران و دکومانتالیست‌ها، فراموش گردید.

۷-۳. ایجاد رویکردهای نوین و چارچوب‌های فکری پویا در حرفه: یکی از بارزترین

دستاوردهای جنبش دکومانتاسیون، گسترش افق نگاه حرفه‌مندان و بنیان نهادن رویکردهای وسیع‌تر نظری و عملی در حرفه بوده است. ریوارد (۱۹۹۷) از این دستاورد با عنوان «به‌دست دادن چارچوب‌های فکری و راه‌های نوین جهت تفکر» یاد کرده است (باکلند و لیو، ۱۹۹۸). گسترش دایره مفهومی مقولاتی چون «مدرک»، «مجموعه‌های کتابخانه‌ای»، «فناوری‌های کتابخانه‌ای»، «کارکردهای کتابخانه‌ای»، «سازماندهی اطلاعات و مواد کتابخانه‌ای»، و نظایر آن در یک قرن گذشته تا حدود زیادی مرهون جنبش دکومانتاسیون است. به‌عنوان یک نمونه مشهود، استوالد در ۱۹۰۸، نگاه حرفه‌مندان اطلاعاتی را به ضرورت بین‌المللی کردن فرایندهای حرفه معطوف ساخت (هاپکه، ۱۹۹۹، ص ۱۴۱)؛ که این نشانی از رویکرد آینده‌نگرانه جنبش در آن سال‌هاست، چرا که ایده آنان درباره حرفه هنوز هم در روزگار ما، که دوران پرتب و تاب اینترنت و منابع الکترونیکی است، دارای مصادیق - بلکه روشن‌تری - است (هاپکه، ۱۹۹۹، ص ۱۴۵).

شاهد دیگر در این باره، «سنت سند»^{۴۳} یا «سنت مدرک» است، که اساس چارچوب فکری پویای رایج در دوره جنبش دکومانتاسیون بوده و به «کاربر»، «فناوری»، و «چرخه اطلاعات» نگاهی متوازن بخشید. دکومانتالیست‌ها به خوبی دریافته بودند که نقطه ثقل «کاربر»، «فناوری»، و «چرخه اطلاعات»، همانا مدرک است؛ و از این رو، برای مفهوم «سند» و «مدرک»، بیشترین استحقاق را جهت تحقیق و پژوهش قائل شدند، تا جایی که دکومانتاسیون را مطالعه چرخه حیات مدرک در آرشیوها، کتابشناسی‌ها، کتابخانه‌ها، و نظایر آن تعریف کردند (باکلند، ۱۹۹۸). «سنت مدرک» در قیاس با سنت‌های تک‌بعدی متمرکز بر کاربر یا فناوری، که در سال‌های بعد از جنبش رواج زیادی یافتند، یک چارچوب فکری متوازن و پویا بود؛ که اگر هم‌جمله همه‌جانبه فناوری، و دستپاچگی حرفه‌مندان در مواجهه با دستاوردهای فناورانه اجازه می‌داد؛ می‌توانست همچنان پویا باقی بماند.

42. Administrative documentation

43. Documentation tradition

۴. فرجام سخن: بازگشتی به جنبش دکومانتاسیون

سخن گفتن از بازگشت به جنبشی که یک سده پیش پا گرفته و نیم قرن از افول آن می گذرد، شاید نگارنده را به دعوت به حرکتی ارتجاعی، متهم سازد. پاسخ قطعی به این تردید را در بخش پایانی این بند از نوشتار، بیان می کنم. در اینجا، صرفاً به خلأهایی در الگوهای مؤثر در حرفه اشاره خواهم کرد که احیای تکه های گم شده از الگوی متوازن جنبش دکومانتاسیون، می تواند این خلأهای چالش برانگیز را جبران سازد؛ و چه بسا چارچوب های فکری متناسب تری با مقتضیات حرفه به ارمغان آورد.

به گمان من، در دهه ۶۰، مقارن با پیدایی نشانه های افول جنبش دکومانتاسیون، لااقل دو پیشامد مهم و مؤثر بر حرفه ما قابل رصد کردن است: حوادثی که به تغییر الگوهایی در حوزه ما انجامید؛ و به عبارت روشن تر، بخش های مهمی از الگوهای مربوط به حرفه را کم رنگ و گاه اساساً مفقود ساخته است. بدون آنکه بخواهم با حکمی قطعی و علی و معلولی، هر دو پیشامد را در ارتباط با یکدیگر توصیف کنم، صرفاً به اشاره به رخداد آنها بسنده می کنم. نخستین آن به چشم آمدن جرقه هایی بود که از وقوع جهش بزرگ تکنولوژیکی بشر در دهه های آینده در حوزه فناوری های اطلاعاتی / ارتباطی خبر می داد. درست در همین دهه است که رشد چشمگیر نظام های رایانه ای در کتابخانه های خودکار آغاز می شود (فتاحی، طاهری و ناقدی احمدی، ۱۳۸۷، ص ۸). همگام با توانایی های روزافزون رایانه ها، تحول شگرفی در ایجاد و گسترش فهرست های رایانه ای به وجود می آید. در سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸، کتابخانه کنگره، طرح مارک را آغاز کرد، و خیلی زود، مارک ۲ پدید آمد (فتاحی، طاهری و ناقدی احمدی، ۱۳۸۷، ص ۸). هیجانات ناشی از دستاوردهای فناورانه این دهه کم نیست؛ تاحدی که سخن از بی نیازی از نقش کتابداران و جایگزینی ماشین به جای آنها به میان می آید (باولز، ۱۹۹۸، ص ۱۵۸).

اما هیجانات ناشی از دستاوردهای پر شمار فناوری اطلاعات در این دهه، در خارج از حوزه ما، به طرح نظریه های - تا آن زمان - غریبی منجر شد که به گونه بی سابقه ای، اهمیت محتوای اطلاعاتی را، در قیاس با قالب و شکل محمل اطلاعاتی، تقریباً هیچ می شمرد. نخستین و از قضا برجسته ترین این نظریه ها، از سوی مارشال مک لوهان^{۴۴} ارائه شد. او در سال ۱۹۶۴ - درست در گرماگرم تحولات مورد اشاره - کتابی منتشر ساخت با نام «برای درک رسانه ها: توسعه ابعاد وجودی انسان»^{۴۵}. او کتاب را با این تعبیر انقلابی شروع کرد که «پیام همان رسانه است». قصد وی از اختیار چنین جمله ای، تشریح عقیده اش مبنی بر «این همانی رسانه و پیام» (ادب، ۱۳۸۷) بوده است؛ بدین معنا که در دیدگاه نامتعارف او، این قالب و شکل محمل اطلاعاتی و رسانه ارتباطی است که بر ادراکات انسان اثر می گذارد، نه محتوا و پیام این محمل ها. به عنوان مثال، او شکل و قالب منابع اطلاعاتی رایج در قرن

44. Marshal McLuhan

45. Marshal McLuhan (1964),
*Understanding media: The
extension of man*, (New York:
McGraw-Hill).

شانزدهم، یعنی نشریات چاپی (و نه محتوای آثار) را در ترویج فردگرایی و ناسیونالیسم اروپایی دخیل می‌داند (مک‌لوهان، ۱۳۷۷، ص ۱۹).

جالب آنکه چنین نظریات نامتعارفی، که الگوهای هویت‌بخش حرفه مارا به چالش فکری درمی‌افکند، هرگز در حوزه کتابداری و اطلاعات با نقد پرطنینی روبه‌رو نمی‌شود و نقدها بیشتر از میان هم‌پیلگان علمی مک‌لوهان در خود حوزه علوم ارتباطات برمی‌آیند (سورین و تانکاره، ۱۳۸۱، ص ۳۹۳-۳۹۴). اگر هم در متون رشته ما، گاه از «محتوا» دفاع شده، غالباً به‌طور مستقیم در نقد آرای مک‌لوهان نبوده است. یک نمونه دفاع‌های - البته نه چندان قوی و مستدل - را گوپال (۱۳۸۲، ص ۲۱) انجام داده است. به‌ر روی، چنین سکوت نامنتظری در حوزه کتابداری و اطلاعات، در مواجهه با آرای مک‌لوهانیسم دهه ۶۰، به‌خوبی نشانگر انفعال رشته در آن سال‌ها در برابر تغییرات محیطی است. فراتر از این، شاید بتوان استدلال کرد که طرح چنین نظریه‌های تندروانه‌ای در خارج از حوزه، عارضه دور شدن از مفهوم محتوا و آویختن بی‌چون و چرا به دامان ماشین را، در بخش‌هایی از حرفه در دهه ۱۹۶۰، تشدید کرده است.

به گمان من، این پس‌زمینه‌ها، قاعده «سنت مدرک» را که نیم قرن دکومانتالیست‌ها برای ترویج آن کوشیدند، برهم می‌زنند؛ و متأثران از این پس‌زمینه‌های فکری بر آن می‌شوند تا به‌جای مفهوم مدرک، فناوری و ماشین را در قلب حرفه و رشته جای دهند. چنین تغییری - درست مقارن با انزوای جنبش دکومانتاسیون - لااقل به مدت یک دهه، بدون هیچ سنت و رویکرد نظری منتقد رقیبی، نبض و فضای حرفه را در دست می‌گیرد. می‌توان چنین استدلال کرد که ضعف پشتوانه‌های نظری - فلسفی جنبش دکومانتاسیون در این وادادگی غیرمنتظره، نقش بسزایی دارد. به‌هر روی، هواداران جنبش دکومانتاسیون از ضعف عمومی حاکم بر حرفه، که همانا ضعف نظری است، برکنار نبودند و آنان نیز چون کتابداران، عمل‌گرایانی به تمامی معنی بودند. از این رو، جنبش نتوانست در برابر تغییرات شدید محیطی استوار بماند. در چنین شرایطی، به‌مدت لااقل یک دهه، نگرشی که مشخصه‌اش، «ماشین‌محوری» یا «نظام‌مداری» است، گفتمان غالب حرفه می‌شود. این نگرش غالب، پس از حدود یک دهه جولان، بالاخره منتقدینی می‌یابد که ناکامی‌ها و نقاط کور آن را تبیین می‌کند. اما منتقدین روند تکنولوژی‌زدگی حرفه، به‌جای بازگشت به الگوی پیشین، یعنی احیای «سنت مدرک»، می‌کوشند تا این بار، مفهوم «انسان» و «کاربر» را در قلب حرفه بنشانند. به قول یورلند (۲۰۰۷، ص ۳)، «انقلاب کاربرمداری» و رویکرد «انسان‌محوری» در دهه ۱۹۷۰ که در واکنش به رویکرد «ماشین‌محور» پا گرفت، به‌نوبه خود، بار دیگر تمرکز از مفهوم مدرک را به مفهوم جایگزین دیگری منحرف ساخت. رویکردی که گرچه وجه‌های انسان‌گرایانه برای حرفه فراهم آورد؛ نتوانست الگویی متوازن برای حرفه ارائه کند.

خواه و ناخواه، انسان‌گرایی در نقطه مقابل ماشین‌محوری است، و اساساً این الگو بیشتر از آنکه بتواند نقطه ثقلی در حرفه به حساب آید - به طوری که همه جنبه‌های این حوزه را پوشش دهد - در جهت تعدیل ماشین‌زدگی عارض شده در حرفه کاربرد دارد، نه به عنوان الگوی جامع کل حرفه. شاید بدین سبب باشد که کسانی چون یورلند (۲۰۰۷، ص ۳)، ناخشنودی خود را از جایگزینی مطالعات تجربی کاربران، به جای مطالعه بر روی مفهوم مدرک، ابراز داشته‌اند. در عوض، به نظر می‌رسد که «مفهوم مدرک» و «سنت مدرک»، به مثابه نقطه ثقلی در حرفه و رشته ماست که متأسفانه با افول جنبش دکومانتاسیون رو به فراموشی نهاده است؛ گرچه چند صباحی است که با رونق مفاهیمی چون «مدارک به مثابه شیء» و «شیء‌گرایی»^{۴۶} در مبحث سازماندهی اطلاعات، دوباره در حال نضج گرفتن - البته بطئی - است.

نگارنده بر این نظر است که می‌توان در مواجهه با تقابل دو سنت «ماشین‌محوران» و «انسان‌گرایان» در حرفه - که هر دو نیز بدیلی ناقص بر الگوهای جنبش دکومانتاسیون به حساب می‌آیند - به تدارک چارچوب فکری تازه و راه‌سومی اندیشید که منبعث از همان الگوی به‌دست آمده از جنبش دکومانتاسیون است. یورلند از معدود کسانی است که ظاهراً راه سوم را برگزیده است. او با مهم خواندن مسئله مدرک در حرفه ما و نشان دادن این مقوله به عنوان مفهومی هسته‌ای و اساسی در علوم کتابداری و اطلاعات (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۵)، برای نخستین بار اصطلاح «الگوی کتابشناختی»^{۴۷} را به عنوان پس‌زمینه و منظر نظریه‌پردازانه ممکن در حرفه پیش کشیده است (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۱۲). او با گلابیه و انتقاد از فقدان چنین رویکردی در حرفه (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۳)، آن هنگام که به تبیین «الگوی کتابشناختی» پیشنهادی‌اش می‌پردازد، خاطر نشان می‌سازد که درک زمینه‌های تاریخی، جامعه‌شناسانه، و سیستماتیک مفهوم مدرک، برای نخستین بار با انتشار آرای اتله آغاز شده است (یورلند، ۲۰۰۷، ص ۴). از این رو، رد پای اندیشه‌های غالب بر جنبش دکومانتاسیون در الگوی پیشنهادی یورلند (الگوی کتابشناختی) آشکارا قابل مشاهده است. بنابراین، یورلند (۲۰۰۷)، در لوای الگوی پیشنهادی‌اش، از بازگشت به جنبش دکومانتاسیون به قصد بازخوانی دقیق آرای آن سخن گفته است. به علاوه، معدود نظریه‌پردازان دیگری نیز - گرچه تلویحی‌تر - اشاره‌هایی به مفهوم مدرک، به عنوان بنیان اساسی در حرفه ما داشته‌اند. از جمله این افراد لاند^{۴۸} است، که با استناد به واقعیت نفوذ عمیق مدارک در محیط‌های اجتماعی امروزی، مسائلی نظیر بررسی، مقایسه، و درک جنبه‌های متنوع نقش اجتماعی مدارک در پیوند با فناوری بی‌ثبات را بخش مهمی از راهبردهای حرفه خوانده است (باکلند، ۱۳۸۳)؛ و جالب آنکه این نظر، مقبول کسانی چون باکلند (۱۳۸۳) واقع می‌شود. وی صراحتاً مفهوم مدرک را تکیه‌گاه حوزه علوم کتابداری و اطلاعات می‌خواند.

46. Object oriented

47. Bibliographical paradigm

48. Lund

نگارنده از دو جهت، احیای سنت مدرک را که فراهم‌آورنده الگوی متوازی برای حرفه است، مفید و فایق بر چالش‌ها و تضادهای نظری موجود در فضای کلی حرفه می‌داند. نخست آنکه هیچ مقوله‌ای جز مدرک، بنیادی‌ترین و زیربنایی‌ترین مفهوم رشته را - «اطلاعات مضبوط» - در خود مستتر ندارد. دوم آنکه، مدرک، بالاترین قابلیت مفهومی را در ایجاد توازن و تعادل در کشاکش تقابل «قالب» و «محتوا» و الگوهای مقابل هم (ماشین‌گرایی و انسان‌محوری) دارد. همچنین، بسط مفهوم مدرک توسط دکومانتالیست‌ها به عنوان عمومی‌ترین اصطلاح اطلاق شده به هر حامل اطلاعات مضبوط، سبب شده تا مدرک، همواره مفهوم «محتوا» را در ضمیر خود داشته باشد. از سوی دیگر، تعریف دکومانتالیست‌ها از مدرک، به عنوان هر نوع قالب و شکل و شیء حاوی پتانسیل اطلاعاتی - به آن معنا که در حرفه ما معمول است - موجب شده تا همزمان، مدرک، مفهوم «قالب» را نیز در خود داشته باشد. همچنین، پیش‌تر گفته شد که دکومانتالیست‌ها به خوبی دریافته بودند که نقطه ثقل «کاربر»، «فناوری»، و «چرخه اطلاعات»، همان مفهوم مدرک است. به همین سبب است که دکومانتالیست‌ها موفق شدند با ارائه «سنت مدرک»، الگوی متوازی در حرفه ارائه دهند. به گمان من، با احیای این سنت، می‌توان به بازداشتن بخش‌هایی از حرفه از یک‌جانبه‌گرایی‌ها و تک‌بعدی‌نگری‌ها امیدوار بود و آن را از تضادهایی که در چنبره آن گرفتار آمده، رها ساخت. همچنین، بدیهی است که مقصود از «بازگشت به جنبش دکومانتالیستون»، انکار دستاوردهای پرشمار علم اطلاعات و عقب‌گرد در روند تاریخی این حوزه نیست؛ بلکه هدف، جلب نگاه حرفه‌مندان و نظریه‌پردازان رشته به ضرورت واکاوی دقیق جنبش و به‌ویژه دستاوردهای فکری و سنت‌های نظری و عملی آن است؛ بدان امید که بتوان از رهاورد آن به الگویی کلی، متناسب با مقتضیات حرفه دست یافت و بر ناهمگونی‌های منتسب به الگو/الگوهای موجود، غلبه کرد.

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۸). «اطلاعات‌رسانی در ایران به کجا می‌رود؟». در: عبدالحسین آذرنگ (۱۳۷۸). *شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات*. تهران: کتابدار، ص ۱۹۲-۲۲۲.
- ادب، مورا (۱۳۸۷). «بررسی تاثیر رسانه‌های جدید بر مفهوم فضا در معماری بارویکرد به اندیشه‌های مک‌لوهان». پایگاه اطلاعات‌رسانی معماری و شهرسازی ایران (آرونا). بازیابی ۳۱ بهمن ۱۳۸۷، از: <http://report.aruna.ir/archives/2008/May/17/1689.php>
- باکلند، مایکل (۱۳۷۹). *کتابخانه‌های آینده*. ترجمه بابک پرتو؛ مقابله و ویراستاری حمید محسنی. تهران: کتابدار.
- _____ (۱۳۸۱). «سندداری، اطلاع‌رسانی و کتابداری در ایالات متحده آمریکا». ترجمه محسن حاجی‌زین‌العابدینی. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۸۱-۳۰۹.

_____ (۱۳۸۳). «میراث دانشگاهی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی: منابع و فرصت‌ها». ترجمه ایرج رداد. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۸(۴): ۹۷-۱۱۸، بازیابی ۱۰ دی ۱۳۸۷ از:

www.aqlibrary.org/Picture/Article/Article25.doc

بورکو، ه. (۱۳۵۱). «دانش اطلاع‌رسانی چیست؟». ترجمه حسین دانشی، پرویز مهاجر. *نشریه فنی مرکز مدارک علمی (مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران)*، ۱(۱). بازیابی ۱۲ بهمن ۱۳۸۷ از:

<http://www.irandoc.ac.ir/ETELA-ART/JiSold/1-1-1.htm>

تیلور، آرنل جی (۱۳۸۱). *سازماندهی اطلاعات*. ترجمه محمد حسین دینانی. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای. ساراسویک، تفکو (۱۳۸۱). «علم اطلاع‌رسانی». ترجمه علیرضا بهمن‌آبادی. در: علیرضا بهمن‌آبادی. *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی (گزیده مقالات)*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص. ۴۹-۸۴.

سورین، ورنر جی؛ تانکار، جیمز دبلیو (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران. فتاحی، رحمت‌الله؛ طاهری، مهدی؛ ناقدی احمدی، فرشته (۱۳۸۷). *فهرست‌نویسی رایانه‌ای: مفاهیم، شیوه‌ها، و نرم‌افزارهای فهرست‌نویسی*. تهران: نشر کتابدار.

گویال، کریشان (۱۳۸۲). *کتابخانه‌های دیجیتال در عصر اطلاع‌رسانی الکترونیک*. ترجمه علیرضا رستمی گومه، ویراسته حسین مختاری معمار. تهران: چاپار.

مکلوهان، هربرت مارشال (۱۳۷۷). *برای درک رسانه‌ها*. ترجمه سعید آذری. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

یورلند، بیرگر (۱۳۸۱ a). «بنیادهای فلسفی، نظری و عملی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه عبدالحسین آذرنگ. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص. ۱-۴۸.

_____ (۱۳۸۱ b). «مدارک، نهادهای نگهدارنده و علم اطلاع‌رسانی». ترجمه علی رادباوه. در: *مبانی، تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۴۳-۱۶۴.

Bates, Marcia J. (2004). "Information science at the University of California at Berkeley in the 1960s: A memoir of student days". *Library Trends*, 52(4): 683- 701.

Bowles, Mark D. (1998). "The information wars: Two cultures and the conflict in information retrieval, 1945-1999". In: *Proceedings of the 1998 Conference on the History and Heritage of Science Information Systems*, 156- 166.

Buckland, M. (1998). "The landscape of information science: The American society for information science at 62". <http://people.ischool.berkeley.edu/~buckland/asis62.html>

Buckland, M. ; Liu, Z. (1998). "History of information science ". In: *Historical studies in information science*. Edited by Trudi Hahn and Michael Buckland. Information Today, Medford, N.J., 1- 26, from: <http://people.ischool.berkeley.edu/~buckland/histis98.pdf>

- Cragin, Melissa H. (2004). "Foster Mohrhardt: Connecting the traditional world of libraries and the emerging world of information science". *Library Trends*, 52(4):833- 852.
- Hapke, Thomas (1999). "Wilhelm Ostwald, the "Bruecke" (Bridge), and connections to other bibliographic activities at the beginning of the Twentieth century". In: *Proceedings of the 1998 Conference on the History and Heritage of Science Information Systems*. Edited by M. E. Bowden, T. B. Hahn, & R. V. Williams. Information Today, Medford, N.J.: 1999, 139-147.
- ____ (2003). "From the world brain to the first transatlantic information dialogue: Activities in information and documentation in Germany in the first half of the 20th Century". In: *69th IFLA Council and General Conference (Berlin, Germany, 1- 9 August 2003)*, 1- 15, from: <http://www.ifla.org/IV/ifla69/papers/057e-Hapke.pdf>
- Hjørland, Birger (2007). "Arguments for 'the bibliographical paradigm: Some thoughts inspired by the new English edition of the UDC". *Information Research*, 12(4): 1- 16. from: http://dlist.sir.arizona.edu/2143/01/Arguments_for_the_bibliographical_paradigm.pdf
- Maack, Mary Niles (2004). "The lady and the antelope: Suzanne Briet's contribution to the French documentation movement". *Library Trends*, 52(4): 719- 747.
- Rayward, W. Boyd (1997). "The origins of information science and the international institute of bibliography/ International Federation for Information and Documentation (FID)". *Journal of The American Society for Information Science (JASIS)*, 48(4): 289-300.
- Rayward, W. Boyd (2008). "Introduction". In: *European Modernism and the Information Society: Informing the Present, understanding the past*. Edited by W. Boyd Rayward. Aldershot, Hampshire, England: Ashgate, P P. 1- 25. from: www.ashgate.com/pdf/SamplePages/European_Modernism_and_the_Information_Society_Intro.pdf
- Zandonade, Tarcisio (2004). "Social Epistemology from Jesse Shera to Steve Fuller". *Library Trends*, 52(4): 810- 832.